



مدرسه عالی امام خمینی علیه السلام

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه فلسفه و کلام

عنوان:

دین و عقلانیت از دیدگاه غزالی و شهید

مطهری (ره)

استاد راهنما:

دکتر محمد محمد رضایی (مدظله العالی)

استاد مشاور:

حجة الاسلام دکتر محمد مهدی گرجیان (مدظله العالی)

دانش پژوه: دلاور آقاییف

سال تحصیلی: ۸۵-۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

شماره ثبت: ۱۴۶۴

تاریخ ثبت:



مرکز جهانی علوم اسلامی مسئول نظرات طرح

شده در این تحقیق نمی باشد.

استفاده از این اثر با ذکر منبع بلامانع است.

تقدیر و سپاس:

«من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق»

بدینوسیله از محضر استاد محترم دکتر محمد محمد رضایی (زید عزه) که راهنمای این رساله را تقبل فرموده و با راهنمایی‌های سودمندشان این رساله را پربار ساختند؛ و هم‌چنین از استاد محترم مشاور حضرت حجة الاسلام و المسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان (حفظه الله) که با تذکرات ارزشمندشان ما را در نگارش این رساله یاری رساندند کمال تقدیر و تشکر را دارم و از پیشگاه خداوند متعال برای این بزرگواران اجر و پاداش در خور زحماتشان مسألت می‌نمایم.

تقدیم:

به روح پاک و ملکوتی حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی ﷺ که نجات بخش انسان‌ها از منجلاب شرک و بت پرستی است.

به ارواح پاک ائمه اطهار علیهم السلام که ناخدای کشتی نجات بخش انسانیت بعد از پیغمبر هستند، بویژه به ساحت قدس منجی عالم بشریت حضرت ولی عصر (عج) که جهان در انتظار قدم مبارک اوست. و به روح اولین شهیده‌ی راه ولایت، حوراء انسیه زهرای مرضیه علیها السلام و به روح حضرت معصومه (س) و به روح ملکوتی امام خمینی علیهم السلام.

فهرست منابع:

- ۱.....چکیده
- ۳.....تاریخچه دفاع عقلانی از دین
- ۵.....واکنش‌های عصر روشنگری
- ۶.....ضرورت و اهمیت بحث
- ۷.....سئوالات اصلی و فرعی
- ۸.....مقدمه:
- ۱۰.....مفهوم شناسی
- ۱۰.....معنای لغوی دین
- ۱۱.....معنای اصطلاحی دین
- ۱۱.....هدف دین
- ۱۳.....قلمرو دین در مغرب زمین
- ۱۵.....قلمرو دین
- ۱۶.....دین و نیازهای آدمی
- ۱۷.....معنای لغوی عقل
- ۱۸.....عقل در اصطلاح:
- ۱۹.....عقل از دیدگاه حکما
- ۲۰.....اقسام عقل
- ۲۱.....معانی مختلف عقل
- ۲۲.....خرد باوران افراطی
- ۲۳.....نقد:
- ۲۳.....رویکرد دوم، خرد ستیزان افراطی
- ۲۴.....رویکرد سوم، خرد باوران معتدل
- ۲۴.....منظور از دین و عقلانیت در این بحث
- ۲۵.....عقل در قرآن

۲۸	عقل از دیدگاه روایات
۳۰	عقل در علم کلام
۳۲	تعریف و کارکردهای عقل
۳۳	دفاع عقلانی از دین
۴۳	جایگاه دین از منظر غزالی
۴۳	معرفی غزالی
۳۸	مذهب فقهی غزالی
۴۰	مفهوم دین از دیدگاه غزالی
۴۲	ابعاد دین از دیدگاه غزالی
۴۲	بعد فقهی
۴۳	بعد اخلاقی دین
۴۴	بعد سیاسی دین
۴۵	بعد عقلی دین
۴۷	غزالی و شک
۴۸	صیانه دین
۴۹	غزالی و دین اسلام
۵۱	جایگاه دین در منظر استاد مطهری
۵۲	معرفی شهید مطهری
۵۴	آثار شهید مطهری
۵۴	(الف)
۵۴	مثل:
۵۵	(ب) روائی و قرآنی
۵۵	(ج) تاریخی و ادبی
۵۵	(د) حقوقی، اجتماعی و اخلاقی
۵۵	(ه) اصولی و فقهی:

۵۵ مفهوم دین در منظر شهید مطهری
۵۹ افراط و تفریط در دین
۶۰ ابعاد دین از دیدگاه شهید مطهری
۶۰ بعد فقهی دین
۶۱ بخش حکومت دین:
۶۲ بخش سیاست دین
۶۳ بعد اخلاقی دین
۶۳ بعد اعتقادی دین
۶۴ بخش و حیانی دین:
۶۵ مطهری و قرآن
۶۷ عقل گرایی دین
۶۸ علل تجدید نبوت‌ها
۶۹ نگاه اجمالی دین و عقل از منظر مکاتب مختلف
۷۰ مکتب شیعه
۷۱ مکتب معتزله
۷۳ رویکردهای دین پژوهی در اسلام
۷۳ ۱. رویکرد اهل حدیث
۷۳ نقد:
۷۴ ۲. رویکرد معتزله در دین پژوهی
۷۴ ۳. رویکرد اشاعره در دین پژوهی
۷۵ ۴. رویکرد شیعه در دین پژوهی
۷۵ علم و دین
۷۷ تعارض علم و دین
۷۹ نیاز بشر به علم و دین در جهان امروز
۸۰ کدام علم

۸۳	جایگاه عقل از منظر غزالی
۸۳	حقیقت عقل و اقسام آن
۸۵	انواع عقل
۸۸	حسن و قبح عقلی
۹۰	عقل حاکمی است که معزول نمی‌شود
۹۲	غزالی و رابطه‌ی عقل و نقل
۹۴	اصل و فرع در دیدگاه غزالی
۹۵	غزالی و محدودیت عقل
۹۶	غزالی و معرفت
۹۸	غزالی و خداشناسی
۹۹	غزالی و فلسفه
۱۰۲	غزالی و انسان
۱۰۳	فرق عقل و هوای نفس
۱۰۳	جایگاه عقل از منظر شهید مطهری
۱۰۶	عقل‌گرایی شهید مطهری
۱۰۸	انواع عقل
۱۰۹	حسن و قبح عقلی
۱۱۱	لغزش‌گاه‌های عقل
۱۱۳	عقل و تعقل
۱۱۵	عقل و آزاداندیشی
۱۱۹	حجیت عقل برهانی
۱۲۰	تبیین چگونگی منبع بودن عقل
۱۲۳	اصل و فرع از دیدگاه مطهری
۱۲۵	محدودیت‌های عقل
۱۲۶	مطهری و معرفت

۱۲۹	مطهری و خداشناسی
۱۳۳	مطهری و فلسفه
۱۳۵	مطهری و انسان
۱۳۶	مضرات عقل
۱۳۸	انواع تعارض
۱۳۹	رابطه‌ی علم و عقل با دین
۱۴۰	نسبت عقل و علم
۱۴۳	رابطه‌ی دین و عقل از دیدگاه غزالی
۱۴۵	سازگاری دین و عقل
۱۴۵	گستره‌ی تطابق دین و عقل
۱۴۶	تعارض و تعامل دین و عقل
۱۴۹	ملازمه‌ی دین و عقل از دیدگاه مطهری
۱۵۰	رابطه دین و عقل از دیدگاه مطهری
۱۵۲	سازگاری میان دین و عقل
۱۵۳	گستره تطابق دین و عقل
۱۵۴	بحث تعارض یا تعامل دین و عقل
۱۵۶	جمع بندی و نتیجه‌گیری
۱۵۹	مشابهت‌ها
۱۶۰	اختلاف‌ها
۱۶۵	منابع و مأخذ

کلیات

تاریخچه دفاع عقلانی از دین

تاریخ را به دوره‌های مختلفی، مانند دوره باستانی، دوره قرون وسطی و دوره جدید تقسیم کرده‌اند، دوره جدید را نیز به دوره‌های دیگری مانند رنسانس، رفرماسیون (اصلاح دین) و روشن‌گری تقسیم کرده‌اند. رنسانس و رفرماسیون سده‌های پانزدهم و شانزدهم را در برمی‌گیرد و روشن‌گری سده‌ی هفدهم و بویژه سده‌ی هجدهم را شامل می‌شود.

در قرون وسطی عقل و دین هر دو حجت بودند. اگر سخن از توانائی عقل می‌رفت، توانائی آن در شناخت دین بود. نزاع مملکان و فلاسفه جهان مسیحیت و اسلام بر سر میزان توانائی عقل، تطابق عقل و دین و تقدم یکی بر دیگری بود. قرون وسطی را، با هر منظری که نگاه کنیم، گذشته دین خود را منعکس می‌کرد. عقل‌گرایی قبل از عصر روشن‌گری، ویژگی ضد دینی یا غیردینی نداشت.

اتین ژیلسون، متخصص و تاریخ‌نویس اندیشه‌ی قرون وسطی، فلاسفه قرون وسطی را به دو طبقه تقسیم کرده‌است: دسته اول آنانکه معتقد بودند، چون خدا با ما صحبت کرده است، تفکر برای ما لازم نیست، «و دسته دیگر اعتقاد داشتند قانون الهی بشر را مکلف می‌کند که با روشهای عقلی فلسفی در صدد شناختن خدا بر آید.» زیرا اولین وظیفه بشر به کار انداختن عقل خدادادی است.^۱

ژیلسون از سه گونه تفکر درباره‌ی عقل و وحی و نسبت آن‌ها با یکدیگر سخن گفته است. این تفکرها منجر به سه گروه یا به اصطلاح خود ژیلسون سه خانواده شده که عبارتند از: خانواده آگوستین، خانواده ابن‌رشدی و خانواده تومائی. به نظر ژیلسون

^۱ - آی فرماتک، عصر اعتقاد، ترجمه احمد کریمی، انتشارات امیر کبیر، ص ۶

خانواده آگوستینی‌ها دین را نایب مناب همه معارف بشری، اعم از علوم تجربی و اخلاق، می‌دانند. به نظر آن‌ها با وجود دین، دیگر نیازی به عقل و تفکر فلسفی نیست. خانواده ابن‌رشدی‌ها، بالعکس، اصالت را به عقل داده، و شأنی برای وحی در معرفت بشری قائل نیستند. برعکس این دو خانواده، خانواده‌ی تومائی هستند که هماهنگی میان عقل و دین و حیانی را وصول به حقیقت هستند. در عصر رنسانس که می‌دانند شعار امانتیتتها بازگشت به دنیای باستانی بود قلمرو وحی در دنیای مسیحی غرب عصر روشنگری، که اصحاب دائرةالمعارف اعتماد بر عقل را یگانه وسیله ادراک می‌دانستند.

شالوده‌ی روشنگری سده‌ی هجدهم پیش اینجهانی از زندگی است که طی رنسانس در هنر، دین، سیاست و علوم طبیعی شکل گرفت. آغاز روشنگری را می‌باید در انگلستان جستجو کرد. سپس این جنبش از انگلستان به آلمان و بعد به فرانسه راه یافت.^۱

با نگاه به عصر روشنگری سه نسل آن را می‌توان از هم تشخیص داد: نسل اول روشنگرانی که هم دین طبیعی را قبول داشتند و هم دین الهی را،^۲ یعنی معتقد بودند که هم می‌توان از راه وحی به خدا معتقد شد و هم از راه قوانین طبیعت. عقل (دین عقلانی) و وحی دو طریقه بدیل و علی‌البدل هستند.

نسل دوم روشنگران، از دین طبیعی جانب‌داری و وحی را تخطئه می‌کردند. دیدرو می‌گفت: هر چیزی که آغاز داشته باشد، زمانی نیز پایان می‌پذیرد، و برعکس، هر چیزی که آغازی نداشته باشد، پایانی هم نخواهد داشت. دینهای یهودی و مسیحی

^۱ - ارنست کاسیرر، فلسفه روشنگری، ترجمه بدالله موفن، انتشارات نیلوفر، ص ۱۷

^۲ - میرچا الیاده، دین پژوهی، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۱۱۹ و ۱۲۰

آغازی دارند. تنها دین طبیعی است که هیچ‌گاه پایان نخواهد داشت، در حالی که سایر ادیان نابود خواهد شد.^۱

نسل سوم روشنگران، صورتهای مختلف دین را، اعم از طبیعی و الهی تخطئه می‌کردند. این نسل در فرانسه وجود داشت به عنوان مثال، هولباخ، ماده را قائم به ذات می‌دانست و منکر خداوند و اختیار و بقای روح بود. او می‌گفت: فقط طبیعت سزاوار پرستش است.^۲

واکنشهای عصر روشنگری

با آغاز نهضت روشنگری، مخالفت با کلیسا و اعراض از دین شروع شد، و دنبال آن سه واکنش در عرصه‌های مختلف بروز کرد: رمانتیسم در ادبیات، پارسامنش و دیانت شخصی، واکنش فلسفی، واکنش اول گرچه تعلق خود را از دین نگسسته بود، ولی رویارویی آن بیشتر به عقل و احساس برمی‌گشت؛ چراکه این جریان معتقد بود رویکرد به عقل برخی از بشری را نادیده گرفته است.

پس از عصر روشنگری و بی‌تفاوتی کلیساهای رسمی، دیانت شخصی (شریعت قلبی) در نیمه دوم قرن هجدهم رونق گرفت. و اینها بیشتر به تدین قلبی اهمیت می‌دادند تا به عقاید کلامی، لذا راه را برای لیبرالیسم کلامی پرتستان هموار ساختند. کانت متأثر از همین جریان بود که می‌گفت: برای اثبات خداوند دنبال استدلال نروید.^۳ دیوید هیوم با نوشتن کتاب «مفاوضاتی در باب دین طبیعی»، که در سال ۱۷۷۹ منتشر شد، با توسل به تعبیرات فلسفی جانب شکاکیت را گرفت و از یکایک برهان‌های

^۱ - ارنست کاسیرر، فلسفه روشنگری، ص ۲۵۱

^۲ - ایان بار بور، علم و دین، ص ۷۷

^۳ - مجله نقد و نظر، شماره دوم سال ۱۳۷۴، مولف اکبر قنبری، ص ۹۰

طبیعی دفاع حساب شده‌ای کرد. وی با شکاکیت خود لطمه‌ای اساسی به بنیان عصر روشنگری وارد کرد. او گرچه به یک نوع ایمان ضمنی قائل بود ولی می‌گفت: خداوند را نه می‌شود اثبات کرد و نه انکار. البته مشکل ایشان در بخش علیت بود که خارج از موضوع ماست.^۱

بعد از هیوم، کانت بود که می‌گفت: «من آشکارا اذعان می‌کنم که این هشدار دیوید هیوم بود که نخستین بار، سالها پیش مرا از خواب جزمی مذهب‌ان بیدار کرد.»^۲

پس از کانت هگل بازگشتی دوباره به الهیات مبتنی بر عقل کرد و راهی را که کانت پیموده بود به نقادی کشید و از طریق برهان فلسفی کمال مطلق وارد میدان شد.^۳

هگل می‌گفت: اگر بخواهیم خود را بشناسیم باید به فلسفه پناه ببریم.

به باور هگل، موضوع دین به طور کلی، حقیقت و یگانگی عین و ذهن است.^۴

ضرورت و اهمیت بحث

روشن شدن جایگاه دین و عقلانیت در عرصه اندیشه بازتابهای گسترده‌ای در فهم گذارهای دینی دارد. پس از قرون وسطی با پیشرفت علوم و صنایع و عدم تطابق اینها با مسیحیت تحریف شده، باعث شده تا فاصله میان علم و دین ایجاد شود. و این فرآیند رفته رفته روند صعودی پیدا کرد. ولی در جهان اسلام مشکل ناهماهنگی میان عقل و دین به این شکل وجود نداشت.

^۱ - گ.و. همگل، عقل در تاریخ، ترجمه حمید عنایت، دانشگاه صنعتی شریف، ص ۴۵

^۲ - فردریک کاپلستون، تاریخ فلسفه، ترجمه امیر جلال الدین اعلم، انتشارات سروش، ج ۵، ص ۲۹۷

^۳ - مجله نقد و نظر، شماره‌ی دوم، بهار ۱۳۷۴، اکبر قنبری، ص ۹۴

^۴ - امانوئل کانت، تمهیدات، ترجمه غلامعلی حداد عادل، مرکز نشر دانشگاهی، ص ۸۹

اما متأسفانه برخی از فرق اسلامی به نام صیانت از دین به ظواهر دین روی آوردند و با تعطیل باب عقل دچار جمود گشتند و تصور خشکی از دین ارائه دادند. بارزترین فرقه‌ها برای نمونه اهل حدیث، حنابله و اخباریون می‌باشند که نقل را مقدم بر عقل می‌دانستند و نقش عقل را از روی تعصب انکار می‌کردند.

البته در مقابل اینها گروهی دیگر بودند همانند معتزلیان، ابن رشد و پیروانش با جانب‌داری از عقل آن را بر نقل مقدم شمردند. البته هر دو گروه خود را حامی اسلام ناب می‌دانستند. این افراط و تفریط‌ها در مسأله دین و عقلانیت سبب شد تا فرقه‌های متعددی در مسیر اسلام شکل گیرد، به همین جهت تعامل این دو با برداشت صحیح از دین روشن می‌شود، در سایه‌ی این روشنایی است که دینداران در اساسی‌ترین مسأله معرفتی خود که شناخت است دچار سرگردانی نشوند.

و لذا روشن شدن رابطه دین و عقلانیت سبب غبارزدائی افکار انسان‌های حق‌جو می‌شود. خصوصاً در کشورهای شوروی سابق که هفتاد سال زیر تبلیغات مسموم رژیم کمونیستی بودند.

سئوالات اصلی و فرعی

با توجه به این پیش فرض که واقعیتی وجود دارد و این واقعیت قابل شناخت می‌باشد خداوند دو راه، رسول ظاهر و رسول باطن را برای شناخت واقعیت پیش‌روی ما قرار داده است. به عبارت دیگر دو نیروی هدایت، عقل و نقل با حکمت و غایت فراروی انسان است. اکنون سئوال اصلی اینجاست که چه رابطه میان عقل و نقل از دیدگاه غزالی و استاد مطهری وجود دارد؟ آیا به نظر آن‌ها آن دو با هم سازگارند یا ناسازگاری دارند؟ و در فرض تعارض با چه معیاری شناخت صحیح حاصل می‌شود؟ آیا باید عقل را بر دین مقدم داشت، یا دین را بر عقل؟ یا اینکه عقل و نقل مکمل هم هستند؟

سؤال فرعی این است آیا تعریف و جایگاه دین و عقلانیت از دیدگاه غزالی و استاد مطهری یکی است؟ و کدام یکی از این دو به دین و یا عقلانیت بیشتر بها می دهند و در فرض تعارض با چه روشها آن را حل می کنند؟

مقدمه:

یکی از جنبه های مهم فردی و اجتماعی انسان، جنبه دینی اوست، و اینکه دین در چه مقطعی از تاریخ آدمی بروز کرده است، اختلاف فراوان دیده می شود. باستان شناسان و دیرینه شناسان بر اساس کتاب های کهن مذهبی و بر پایه آثار باستانی بدست آمده اقوال گوناگون با توجه به یافته ها و برداشته های خود ارائه داده اند. کسانی که قائل به این باورند که انسان در دوران ابتدایی خود که هیچ گونه پیشرفتی نداشته است، عاری از دین و مذهب بوده و این احساس وابستگی به جهان بالا بعدها بر اثر تکامل فکری برایش حاصل گردیده است.

اما از دیدگاه ادیان آسمانی هیچ قومی بدون پیامبر نبوده است. و از همان آغاز هدایتگری، هدایت او را به عهده داشته است. قرآن در این باره می فرماید: ﴿وَلِكُلِّ قَوْمٍ

هَادٍ (رعد ۷) ﴿

دین همزاد انسان است و بشر از آغاز آفرینش خود، نیاز به دین را همواره در خویشتن می یافت و با عطش فطری در پی آن می رفت تا به رسیدن زلال آن، این عطش را برطرف و خود را سیراب کند. از این رو جامعه شناسان و مردم شناسان با اینکه در قرون گذشته از انسان به موجود «مستوی القامه» و ابزار ساز و سیاست ورز تعبیر می کردند، اما امروزه از او به عنوان موجود دین ورز سخن می گویند. از آنجا که دین خواهی در متن خلقت انسان نهاده شده است، پیش تر برگه ای از جامعه شناسان برجسته ی جهان در مقاله ای با نام موج سکولار زدایی از جهان می نویسد: باید اذعان داشت که نمی توان گفت: ما در جهان سکولار زندگی می کنیم، جز چند مورد استثناء

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم _ همانند گذشته _ آکنده از احساسات دینی است و در برخی مناطق، این احساسات بسی بیش‌تر از گذشته است.^۱

امروزه بشر در بعد معرفتی دچار تحیر علمی و نسبت‌گرایی و عدم ثبات در آرا و عقاید است و در بعد معرفتی دچار تحیر عملی، افسردگی و اضطراب، فقدان آرامش و اطمینان خاطر و از خود بیگانگی و به تعبیری، بی‌خویشی است و از جهت اخلاقی نیز گرفتار انحرافات خصلتی گسترده و به لحاظ خانوادگی، دچار ازهم‌پاشیدگی داخلی و از نظر اجتماعی و سیاسی، گرفتار مسائلی چون هرج و مرج بین‌المللی، مشکل اوقات فراغت و تورم شده است که مجموع این علل علمی و عوامل روانی و... سبب پیدایش تنش منطقه‌ای و بین‌المللی شده است.

با وجود تلاش برخی از مکاتب در جهت این‌که دین را ضد علم، عقل و عقلانیت قلمداد کنند، دین با مرور سربلندی از این موانع حقیقت خود را روشن کرده و معلوم شده آنچه آن‌ها ضد علم، عقل و عقلانیت پنداشتند آن دینی بوده که آن‌ها خودشان با تحریف آن حقایق آن را کاملاً واژگون جلوه داده بودند. ما در این نوشته در صدد آن هستیم که به نظریه دو تن از علمای بزرگ اسلام در باب رابطه عقل و دین اشاره کرده آنرا بررسی کنیم.

اجتهاد، مقام شیخ الطائفه در اجتهاد.^۲

^۱ - پیترا ال برگر، ترجمه افشار امیری، انتشارات موسسه پنگال تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰

^۲ - ر.ک. یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری زیر نظر دکتر عبدالکریم سروشی، ص ۳۷۸

مفهوم شناسی

معنای لغوی دین

دین در لغت عرب به معنی «جزا، پاداش، روز قیامت، راستی، سیاست، رأی، سیرت، عادت، حساب، قهر، غلبه^۱، قضاء، حکم، تصدیق به قلب، تسلیم، طاعت، توحید، انقیاد، و پابندی به اصول وحی است»^۲. و پرهیزکاری تقوی، راه‌روش، خلق‌وخوی و خاضع^۳، ملت و طریقت دانشمندان فقه‌اللغه واژه دین و معانی مختلف آن را در آثار سه قوم یافته‌اند، البته تقدم و تأخرشان بر یکدیگر نامعلوم است.

۱. در زبان آرامی که قومی از نژاد سامی و ساکی شمال بین‌النهرین و مرز

سوریه و معاصر با هخامنشیان بودند، واژه دین به معنای حکم و قضا بود.

۲. در زبان قومی که اجداد عرب فعلی محسوب می‌شوند، لفظ دین به

معنی رسم و عادت دیده می‌شود.

۳. در زبان اوستای ایران دین به معنی شریعت و مذهب وجود دارد که

پیروان این دین خود را به‌دینان می‌خوانند.

در زبان فارسی دو لغت به معنی دین استعمال می‌شود: یکی «کیش» و دیگری

«آیین»، با این وصف، عده‌ای از زبان‌شناسان معتقدند که کلمه دین لغتی از زبان فارسی

قدیم است و سپس به زبان عربی راه یافته است.^۴

^۱ - لسان العرب، ماده دین

^۲ - قاموس قرآن، ج ۱، ماده دین

^۳ - المنجد، ص ۲۳۱، لموس معلوف، انتشارات ذوالقرنی

^۴ - جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، ص ۸۷۴

معنای اصطلاحی دین

دین عبارت است از مجموعه حقایق و ارزشها یکی از طریق وحی یا الهام و یا هر طریق قطعی دیگر، مانند عقل، برای هدایت و سعادت انسانها بر پیامبر نازل می‌گردد. و پیامبر هم با تفسیر و تبیین این حقایق پیشرفت علمی و معنوی انسانها را به عهده می‌گیرد. و البته آموزه‌های دینی با فطرت سالم انسانها هماهنگی دارد. و لذا در پذیرش دین انسانها یک مسیر طبیعی و عقلانی را می‌پیمایند، چون وقتی پذیرش قانون و احکام براساس خواست عقل و فطرت سالم باشد، انسان سیر صعود طبیعی دارد برخلاف اینکه اگر به طرف معاصی برود مسیر غیرطبیعی را طی کرده است. انسان فقط در اثر تأمل عقلانی این موضوع را می‌تواند بفهمد، البته با کنارزدن حجاب‌های اعتباری و همی خیالی، انسان باید از عقل خود یاری بجوید چون همانطوریکه پیامبران و ائمه را خداوند حجت بیرونی قرار داده است، عقل را هم حجت درونی انسان قرار داده است.

هدف دین

در طول تاریخ بشری دین همراه با تمام ملتها و اقوام مختلف وجود داشته است. و لذا دین گاهی به دین منقرض و دین قدیم و راقیه یا پیشرفته تقسیم شده است. و این نشانگر آن است افراد بشر از آغاز وجودشان در زمین نوعی دیندار بوده‌اند که بر اثر مرور زمان و تحولاتی که در زمانهای مختلف و به دلایل متفاوت ایجاد شده است دین اقوام اولیه منقرض می‌شود از سوی دیگر برخی ادیان قدیم تلقی شده است زیرا در حال حاضر و بین مردم معاصر صرفاً جنبه باستان‌شناسی دارد.^۱ در حالی که برخی ادیان پیشرفته یا زنده محسوب می‌شوند. و دین اسلام که یکی از ادیان پیشرفته و زنده در عصر می‌باشد و به اعتقاد ما تنها دین حق آن است زیرا که خداوند آخرین پیامبر را

^۱ - غلام علی آریا، آشنایی با تاریخ ادیان، ص ۱۳